

آنچه در اینجا آمده است فقط به منظور ثبت در تاریخ است و این تارنما بهیچوجه درستی و یا نادرستی مطالب مندرج در این نگارش را بررسی و یا پژوهش نکرده است. ولی آنچه مسلم است اینکه بسیار در درون رژیم اسلامی مرتکب جنایاتی شده اند که به دلیل اینکه این تارنما همواره در ثبت مراتب تاریخی اقدام میکند این مطلب را هم برای ثبت در تاریخ و پیگردهای بعدی در اینجا آورده است.

اگر محل اصلی نوشته در زیر آورده شده است ارتباطی با این تارنما ندارد.

## جنایتکاران بزرگ تحت حفاظت

### سردار نقدی رئیس پیشین حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی

سردار محمد رضا نقدی



محمد رضا نقدی در سال ۱۳۳۲ در شهر نجف به دنیا آمد. پدرش شیخ علی اکبر ثمانی از طلاب شیعه مجاور شهر نجف بود. محمد رضا فرزند دوم از چهار فرزند خانواده شیخ علی اکبر بود. در سال 1358 در حالیکه یک سال از پیروزی انقلاب گذشته بود، دولت عراق این خانواده را نیز به همراه دیگر شیعیان معاند و ایرانیان مقیم عراق از کشور عراق اخراج نمود و خانواده شیخ علی اکبر به شهر «نقده» نقل مکان کردند و شهرت نقده ای را برای خود برگزیدند که بعد ها نیز به نقدی مشهور شدند.

### عضویت در مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق

باشروع جنگ تحمیلی ایران و عراق و باز شدن پای این تشکل سیاسی به ایران محمد رضا نقدی در حالیکه 27 سال بیشتر نداشت عضو این گروه شد. محمد رضا نقدی کارش را در دفتر نمایندگی مجلس اعلای در شهر ارومیه آغاز کرد، وظیفه وی شناسایی کردها و اعراب معاند عراقی برای جذب و سازماندهی در این تشکل بود. در اسفند ماه سال 1359 محمد رضا برای آموزش نظامی و گذراندن دوره های چریکی به کشور لبنان

عزیمت نمود و در پادگان های «جنبش امل» آموزش دید و مجدداً به ایران بازگشت و در رده های نظامی مجلس اعلا سازماندهی گردید .

### ورود به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

در سال 1361 شهید دقایقی از فرماندهان سپاه، ماموریت می یابد تا از بین عراقیان مجاهد و معاند لشگری را تشکیل داده و سازماندهی کند. این لشگر بعد ها اساس شکل گیری سپاه بدر شد. محمد رضا نیز در زمره دیگر معاندین عراقی بود که به عضویت این لشگر در آمد و در معاونت اطلاعات و عملیات این لشگر مشغول خدمت شد .

تاسال 1364 محمد رضا در لشکر 9 بدر مشغول خدمت بود و بعد از آن به سپاه لبنان منتقل شد. سپاه لبنان نیرویی بود که به فرمان آیت الله خمینی و به منظور عملی کردن استراتژی «آزاد سازی قدس» و یاری رساندن به مبارزان لبنانی در نبرد با اسرائیل ایجاد شد. هر چند که بعد ها این تفکر با استراتژی «راه قدس از کربلا می گذرد» متوقف شد و اولویت جنگ ایران و عراق محسوب گردید، اما فعالیت سپاه در سوریه و لبنان هرگز متوقف نشد و حتی بعد ها این یگان گسترش یافته و در فرمان 6 ماده ای فرماندهی کل قوا به فرمانده کل سپاه محسن رضایی، مبنی بر تجهیز و سازماندهی سپاه پاسداران به نیرو های مجزا، متشکل تر گردید و به عنوان یکی از نیروهای پنجگانه سپاه پاسداران شناخته شد و به «نیروی قدس» موسوم گشت. محمد رضا نقدی همچنان در نیروی قدس مشغول خدمت بود و به دلیل فعالیت های اطلاعاتی و عملیاتی اش در عراق و سودان در بین پاسداران ارشد سپاه به نام مستعار «شمس» مشهور شد .

با شروع جنگ در یوگوسلاوی سابق وی در رأس گردانی از پاسداران سپاه قدس به «بوسنی و هرزگوین» اعزام شد و تاپایان بحران در آن منطقه یکی از سه فرمانده ارشد نظامی سپاه پاسداران در بوسنی بود .

محمد رضا نقدی - ملقب به شمس - در سال 1372 به عنوان معاون اطلاعات نیروی قدس به پیشنهاد فرمانده کل سپاه از سوی علی خامنه ای انتخاب می گردد اما دیر سالی از این انتصاب نمی گذرد که مجدداً از سوی علی خامنه ای به عنوان فرمانده حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی منصوب می شود و با درجه سرتیپی از نیروی قدس سپاه به نیروی انتظامی منتقل میشود .

محمد رضا نقدی در آخرین روزی که در پادگان امام علی در بین پاسداران سپاه بدر به سر می برد در مراسم تودیع اش اهداف خود را از پذیرش این پست گسترش عدالت اجتماعی، شایسته سالاری، مبارزه با فقر، اعتیاد و فساد اداری عنوان نمود. در حالی که به جز مبارزه با فساد اداری دیگر اهداف وی به هیچ وجه در چارچوب مسئولیتی که برای وی در نظر گرفته شده بود نبود، و در آن آشفته بازار هم کسی از وی سؤال نکرد که حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی باید بر نحوه کارکرد و فعالیت های پرسنل نیروی انتظامی نظارت کند نه آنکه محفلی برای تحقق علایق و اهداف فرمانده اش باشد !

به هر روی محمد رضا نقدی به حفاظت اطلاعات ناجا (نیروی انتظامی جمهوری اسلامی) رفت و به واقع آنجا را تبدیل به حیات خلوتی برای خواستها و امیال شخصی خویش کرد که صد البته این علایق دور از نظر خشک مغزانی که در ایران از آنها به نام محافظه کاران یاد می شود نبود. نقدی با استفاده از رانت فرماندهی حفاظت اطلاعات و حمایت های جنبی علی خامنه ای از وی، اکثر دوستان و همفکران خود را از سپاه به نیروی انتظامی منتقل نمود و در کادرهای سازمانی ستاد این رده، نفوذ داد «شایسته سالاری» ! «تا آنجا بود که به خواست وی «سرهنگ پاسدار سید رضا جلیلی» را که به حکم دادسرای نظامی قم به اتهام فساد اخلاقی و ارتباطات نامشروع و شرب خمر، از لشکر علی ابن ابی طالب سپاه پاسداران اخراج شده بود را مجدداً دعوت به خدمت نمود و وی را به سمت مسئول دفتر بازرسی خویش برگزید. البته در ادامه مطالب

علت این انتصاب آشکار خواهد شد. (رفته رفته کادر حفاظت اطلاعات ناجا شایسته و مطلوب محمد رضا نقدی و اربابانش در دفتر رهبری شد و اینجاست که ماموریت های خاص به وی محول می شود .

### طلوع شمس اطلاعاتی

با انتخاب سید محمد خاتمی به ریاست جمهوری و به قدرت رسیدن اصلاح طلبان دولتی، محافظه کاران درصدد قطع شریان های حیاتی این جماعت بر آمدند. یکی از این شریان های مهم مافیایی شهرداری ها بودند (این مافیا را به تفصیل در مقاله یقه سفید ها گل می کارند افشا کرده ام) محافظه کاران به نیکی می دانستند که در شهرداری ها چه می گذرد، چرا که خود با به روی کار آوردن «غلامحسین کرباسچی» از سوی هاشمی رفسنجانی بر آن اشراف داشتند و این لقمه چرب و نرم اکنون به دست رقیب افتاده بود .

از همین رو پرونده ای را که از مدتها قبل برای روز مبادا در بایگانی اتاق سکوت خود داشتند رو کردند و محمد یزدی رئیس وقت قوه قضائیه و از مهره های اصلی محافظه کاران حکومتی فرمان آتش را صادر کرد و به اتهام اختلاس و حیف و میل بیت المال! غلامحسین کرباسچی و بیش از 164 نفر از شهرداران و مدیران شهرداری تهران ظرف کمتر از سه ماه بازداشت یا احضار شدند. این پرونده سیاسی - قضایی در نوع خود تا به امروز نیز در سیستم قضایی کشور بی نظیر بوده است .

### و اما چگونه پای نقدی به پرونده شهرداری تهران باز شد؟

محمد رضا نقدی که از سوی جمعی از نمایندگان مجلس پنجم و با فشار فراکسیون کارگزاران سازندگی به مجلس دعوت شده بود در جلسه ای با نمایندگان، اینچنین دخالت خود را تعریف می کند:  
روزی آقای رازینی ریاست محترم دادگستری تهران مرا به دفترش دعوت کرد وقتی که رفتم ایشان توضیح دادند که پرونده ای هست که مربوط می شود به فساد مالی در شهرداری تهران و ابعاد مالی آن بسیار گسترده است ما هم به دلایلی صلاح نمی دانیم که پرونده را به دست دیگر ضابطین ، همچون وزارت اطلاعات و اداره آگاهی بدهیم و می خواهیم این را به شما بسپاریم چرا که هم «بازداشتگاهی مطمئن» دارید و هم پرسنلتان «امین» هستند.

آن روز من به آقای رازینی گفتم: ما آماده هستیم! ولی اگر به میدان بیاییم تا آخر هستیم مبادا شما در وسط کار بر اثر فشارهای سیاسی کنار بکشید.

که آقای رازینی هم گفتند: نه اراده ما هم بر این است که این قضیه جدی بگیریم و حتی مقام معظم رهبری هم فرموده اند که با این مفسده جدی برخورد شود. پیاده شده از نوار جلسه پرسش و پاسخ محمد رضا نقدی و نمایندگان مجلس )

بعد از این توافق بود که فرمان آتش صادر شد و محمد رضا نقدی با یاری سرتیپ پاسدار «مسعود صدرالاسلام» فرمانده وقت اطلاعات ناجا کار بازداشت، احضار و بازداشت بیش از 164 شهردا، مدیر، کارمندا ارشد و میانی شهرداری تهران را طی 95 روز به انجام رساندند .

کار بازرسی از ساختمان های شهرداری و منازل بازداشت شدگان توسط اطلاعات نیروی انتظامی و کار بازرجویی و بازداشت متهمان توسط حفاظت اطلاعات نیرو انتظامی صورت گرفت . بازرجویی ها عمدتاً در بازداشتگاه های وصال و خاتم و یا مجتمع قضایی امام خمینی انجام می گرفت .

و اما در بازداشتگاه هایی که علی رازینی آنها را مطمئن خوانده بود، ماموران امین بر سر متهمان چه می آوردند؟

«میم - ت» یکی از شهرداران بازنشست شده، پس از آزادی در لایحه شکوائیه خویش بر علیه محمد رضا نقدی و مسعود صدرالاسلام شرایط رفتار این ماموران امین را در بازداشتگاهی مطمئن اینچنین شرح می دهد: بازداشتگاه ما وصال نام داشت و من در سلول 130 انفرادی بودم. محل سلول من چهار طبقه زیر زمین بود از بلندگوی بازداشتگاه که در تمام سلولها صدای آن پخش می شد مدام یا صدای ضجه و گریه و روضه خوانی پخش می شد یا قرآن. وضع غذای بازداشتگاه هم بسیار نامطلوب بود و در مدت 65 روزی که من در انفرادی بودم همواره غذا یا تکه نانی خشک و چند خرما بود یا سوپی که بیشتر به آب گرم و گوجه و چند لوبیا شباهت داشت. و شکنجه اصل ثابت تمامی بازجویی هایم بود، بازجوی من که خود را ایمان معرفی می کرد با کابل بر پشتم میزد و با هر ضربه یا زهرا و یا حسین میگفت. **آقای نقدی در تمام جلسات شکنجه خود شخصا حضور داشت و همواره زیر ضربات کابل از من می خواست تا اعتراف کنم و کتبا بنویسم که با خانم «ز- م» منشی محل کارم روابط نامشروع داشته ام...** ( قسمتی از لایح شکوائیه «م-ت» که رونوشتی از آن به مطبوعات نیز ارسال شده بود )

از دیگر شاهکار های محمد رضا نقدی که به دستور شورای عالی امنیت ملی همچنان محتوم مانده آن است که وی مظنون به مشارکت در قتل قاضی (بازپرس (اولیه پرونده کرباسچی است، که به طور مشکوکی ناگهان سخته کرد. شایع است که محمد رضا نقدی بر سر صدور احکام سفید بازداشت و بازرسی از منازل و محل کار افراد و همچنین چگونگی حسابرسی با وی اختلاف داشته است که به همین منظور و برای حل اختلافات جلسه ای در منزل «محسن اژه ای» با حضور ایشان و محمد رضا نقدی و مسعود صدرالاسلام برگزار می شود و با صرف شام خاتمه می یابد، فردای آن روز وی دچار مسمومیت شدید می شود و به علت کاملاً آشکاری (آمپول هوا (دچار ایست قلبی می شده، فوت می کند.

به دنبال فوت ایشان کمیسیون امنیتی عالی شورای امنیت ملی ضمن اذعان به مشکوک بودن فوت قاضی، اما به خاطر دخیل بودن افرادی چون علی رازینی (ریاست دادگستری استان تهران )، محسنی اژه ای (ریاست مجمع قضایی کارکنان دولت و از قضات دادگاه ویژه روحانیت )، محمد رضا نقدی و مسعود صدر الاسلام دستور بایکوت شدن پرونده را می دهد.

بالاخره دادگاه ها و بازداشت ها پایان می گیرند و متهمان با فشار مطبوعات و فراکسیون کارگزاران سازندگی در مجلس و پیگیری اذهان عمومی ضمن اقامه دعوی در دادسرای نظامی تهران بالاخره می توانند محمد رضا نقدی را باتوجه به فاحش بودن تخلفاتش در صدور احکام بی مورد بازداشت های موقت، شکنجه و نوع بازجویی ها، ایشان را به سه ماه حبس محکوم نمایند. که البته این حکم علی رغم قطعی شدنش هرگز به اجرا در نیامد و در کمال نا باوری چندی بعد محمد رضا نقدی با حکم علی خامنه ای به عنوان «مشاور ارشد نظامی رهبر و فرمانده پشتیبانی ستاد فرماندهی کل قوا» منصوب شد!!!!!! .

و رهبر، اینچنین از وی دلجویی کرد، که مبادا خاطر ایشان حتی از رویت حکمی که هرگز اجرا نمی گردد مکرر شود !! همچنین به همه بفهماند که اطرافیان از هاشیه امن و مصونیت آهنین برخوردار می باشند .

### محمد رضا نقدی و ارتباط با هسته های حزب الله

محمد رضا نقدی از جمله محفل نشینان محرمی است که در حلقه مافیایی دفتر رهبری حشر و نشر بسیاری داشت. در درون دفتر رهبری از اردیبهشت سال 1374 ستادی به نام «ستاد واکنش سریع» تشکیل شده است که اعضای این ستاد عبارتند از: جمعی از سرداران سپاه شاعل در خود سپاه و همچنین پاسداران ارشدی که مامور به خدمت در دیگر نهادها و ارکان نظام می باشند، مانند سردار محسن رفیق دوست - که خارج از سپاه می باشد اما سردار سپاه است- و یا محسن رضایی که همچنان سر لشگر سپاه است و یا حسین شریعتمداری .

از جمله اهداف اصلی این ستاد نظامی کردن جامعه و به دست گرفتن تمامی مناصب نظام است. محمد رضا نقدی نیز از جمله اعضای این ستاد بود و به نوعی در کنار سردار حسین اللهکرم و سردار ذوالقدر و جانشین فرماندهی کل سپاه پاسداران، از رهبران هسته های شبه نظامی انصار حزب الله در این ستاد بودند. از جمله ماموریت های محول شده به محمدرضا نقدی و حسین اللهکرم از سوی این ستاد طرح ترور «عبدللهنوری» و همچنین طرح تهاجم بهکوی دانشگاه تهران بود.

محمدرضا نقدی در طرح ترور عبدللهنوری در نماز جمعه تهران خود شخصا حضور داشت و از جمله افراد تیم ترور بود که وظیفه داشت با تعدادی از افراد خویش پس از انجام ترور، به همراه سرنویپ پاسدار فرج مرادیان (از سرداران نیروی زمینی سپاه و فعالان انصار حزب الله) اقدام به تیراندازی هوایی کنند تا با انحراف افکار افراد حاضر در صحنه، فرصت کافی برای فرار ضاربان را از صحنه ایجاد نمایند و بعد از فرار ضاربان اینچنین وانمود کنند که برای دستگیری ضاربان وارد صحنه شده اند.

### غروب شمس اطلاعاتی!

قدرت فساد آور است! این یک اصل است و هرچه قدرت و اختیار عمل فرد بیشتر شود، این اصل انکار ناپذیر تر می گردد و در این میان اگر فرد مصونیتی آهنگین داشته باشد فسادش گسترده تر شده، تبدیل به اهریمنی خطرناک می شود. و محمد رضا نقدی ریزمصدق همین اصل است، او دید که هرچه می کند هیچ کسی و هیچ محکمه ای در مقام استیضاح وی بر نمی آید که هیچ، از سوی اربابانش هم تشویق می شود. وی در سال 1379 با هدف مبارزه با مفاسد اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر تصمیم می گیرد گروهی را بطور خودسرانه تشکیل دهد و اقدام به برخورد با جوانان و تجمعات آنان مثل پارتی های شبانه بزند. این باند خود خوانده که به قول خودشان غیرت دینی شان به جوش آمده بود برای خود خانه و بازداشتگاهی نیز فراهم می کنند. خانه ای در حوالی تهرانپارس که از آن هم به عنوان محفلشان استفاده می کردند و هم بازداشتگاه شخصی شان بود.

در نهایت کار از بر هم زدن و برخورد با پارتی های شبانه، تذکر به زنان و دختران بد حجاب و جمع آوری توار های ترانه از خودرو های مردم به سرقت های مسلحانه و تجاوز به نوامیس مردم و دختران بی گناه کشیده شد. کارنامه درخشان این باند «غیور دینی تحت فرمان رهبر» که بعد ها برای خویش نام «کبیر» را نیز برگزید، اینچنین است:

- ده ها فقره تجاوز به عنف و تجاوز به دختران تهرانی
- ده ها فقره قتل جنسی به خاطر ممانعت در برابر تجاوز
- سی و شش فقره سرقت مسلحانه در تهران و شهرهای چالوس، رامسر، کلاردشت و اصفهان
- ده ها فقره باج گیری
- 4 فقره سرقت اتوموبیل
- و ...

### «باند کبیر» شمس اطلاعاتی چگونه افشا شد؟

باند کبیر به سرکردگی سرنویپ پاسدار محمدرضا نقدی در ادامه سرقت های زنجیره ای خود، منزل یکی از تجار بین المللی طلا در غرب تهران را - که از مدتها قبل زیر نظر داشت - در فرصتی مناسب مورد سرقت قرار داد و در آخرین لحظات که سارقان قصد خروج از منزل را داشتند، صاحبخانه آقای «ر-ک» «سر می رسد که پس از درگیری با ایشان با توجه به مسلح بودن شان، اقدام به تیراندازی کرده و موفق به فرار می شوند. اما آقای «ر-ک» «چهره دو نفر از سارقان را به خوبی شناسایی می کنند و پیگیری و شکایت به نیروی انتظامی محل و اداره آگاهی هم کاری از پیش نمی برد تا آنکه در اوایل سال 1381 در کمال تعجب

یکی از همان سارقان را که چهره اش را در ذهن ثبت کرده بود، در میدان امام خمینی (توپ خانه) در حالی می بیند که با لباس فرم نیروی انتظامی سوار بر خودروی پلیس است .

خودروی او را تا خیابان سرهنگ سخایی - محل توقف خودرو - تعقیب میکند اما به گمان تصور اشتباه کاری انجام نمی دهد و مجدداً فردای آن روز به همان محل می آید و به انتظار دیدن مجدد همان فرد می نشیند و این بار مطمئن می شود سارق همین مامور نیروی انتظامی است . تاجر مذکور با استفاده از رابطه آشنایی که با آقای «سواد کوهی» مسئول دفتر نظارت و پیگیری قوه قضائیه داشته است، موضوع را با ایشان در میان گذارده و بالاخره پس از پیگیری های مستمر خود و وکیلش موفق به بازداشت «سرگرد پاسدار عباس آشتیانی» یا همان سارق مورد نظر - که در حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی مشغول به کار بوده - می شود .

به محض بازداشت فرد مذکور موضوع به اطلاع مهدی کروی و دفتر ریاست جمهوری نیز می رسد و با توجه به حساسیت موضوع و اطلاع ریاست جمهوری و مجلس و متنفاً بودن مال باخته (آقای ، ر- ک ) ماست مالی و فیصله دادن به ماجرا غیر ممکن می شود . پرونده به وزارت اطلاعات ارجاع می شود و به دنبال آن تعدادی از افراد باند «کبیر» شناسایی میشوند :

- سرهنگ پاسدار سید رضا جلیلی
- سرگرد پاسدار عباس آشتیانی
- سروان حمید وستنبو
- ستوان دوم امیر علی کهندل
- حسین لاریجانی
- سید عطا فراتی
- فواد کلهر (عضو وزارت اطلاعات )

با پیگیری های بعدی معلوم می شود که «حجت الاسلام رضا بروجردی» نیز که از روحانیون سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی می باشد عضو باند فوق بوده و احکام شرعی؟! (سرقت ها و قتل ها را صادر می نموده است. با مسلم شدن نقش ایشان و حضور محمد رضا نقدی به عنوان رهبر باند فوق پرونده ابعاد حیاتی پیدا می کند . وزارت اطلاعات ، دادگستری استان تهران و دفتر رهبری را در جریان می گذارد و در باره بازداشت نقدی کسب تکلیف می کند که بالاخره موفق به بازداشت محمد رضا نقدی در 15 اسفند ماه 1381 شده، و متعاقباً وی به بازداشتگاه رمضان (واقع در بزرگراه حقانی تهران) منتقل می شود .

وزارت اطلاعات (معاونت ویژه امور سرویس (با نظارت دفتر رهبری کار تحقیق و بازجویی از وی را رسماً آغاز می کند !! او پس از گذشت یک ماه در 20 فروردین 1382 شفيعی - معاون وزارت اطلاعات- ضمن ارسال گوشه هایی از اوراق بازجویی و اقرارهای محمد رضا نقدی و نظریه مقدماتی تیم بازجویی . اعترافات نقدی را تا آن زمان بدین شرح اعلام میکند :

- خرید و فروش سلاح و مهمات از مرزهای شرقی کشور .
- فروش سلاح های مکشوفه از قاچاقچیان بجای تحویل به مراجع قانونی مربوطه .
- قاچاق و ترانزیت مواد مخدر از مرزهای شرقی کشور به عراق
- تشکیل باند خودسر «کبیر»
- ده ها فقره قتل جنسی و تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه و باجگیری و اخاذی .

شفيعی ضمن درخواست اختیارات بیشتر برای بررسی و بازداشت مابقی افراد دخیل در اتهامات فوق، برای در اختیار داشتن محمد رضا نقدی و مابقی متهمان از دفتر رهبری (معاونت امنیتی دفتر، حجت الاسلام صادق میر حجازی (طلب تمديد مهلت می کند .

با گذشت پنج روز از ارسال نامه فوق در 26 فروردین 1382 ، دفتر رهبری با ارسال نامه ای به وزارت اطلاعات و بیان شائبه اخذ اعتراف و اقرار های فوق با ضرب و شتم و شکنجه از متهمان دستور تحویل متهمان به دادگاه ویژه روحانیت را صادر می کند !!! از فردای آن روز ضمن انتقال متهمان به بازداشتگاه خاتم الانبیا (بازداشتگاه انضباطی پادگان شهید جولائی وزارت دفاع )، کار رسیدگی به پرونده با استناد به آنکه یکی از متهمان روحانی می باشد، پرونده در شعبه دوم دادرسی ویژه روحانیت مورد رسیدگی قرار می گیرد و تیمی مرکب از سه نماینده از ستاد فرماندهی کل قوا (سرتیپ پاسدار علیرضا امینی )، دفتر بازرسی رهبری (حجت الاسلام زاعری (و قوه قضائیه) رضا جلالی با نام مستعار کمیل (بازجویی مجدد را بر عهده می گیرند .

اخبار مربوط به بازداشت نقدی و محاکمه باند کبیر به بیرون درز می کند و سر از مطبوعات در داخل کشور و رسانه های شنیداری و نوشتاری خارج از کشور در می آورد .

افراد بسیاری که از باند فوق و افراد یادشده متضرر شده بودند به دادرسی استان تهران مراجعه و اقامه دعوی می کنند، با توجه به فشار افکار عمومی ، مطبوعات ، مجلس و نهاد ریاست جمهوری بالاخره جلسه تفهیم اتهام باند کبیر تشکیل می شود ، آنهم به صورت غیر علنی و کاملاً مضحک، بیش از شانزده شاکی به عنوان نماینده شاکیان در دادگاه حضور پیدا می کنند و همین !

برگزاری جلسات بعدی دادگاه به بهانه ناکافی بودن تحقیقات به تعویق می افتد و ظاهراً اراده ای هم برای برگزاری آن وجود ندارد زیرا باز هم رهبری پشت قضیه این باند تجاوز و سرقت ایستاده است به ناگاه و در کمال تعجب در اردیبهشت سال 1382 به هنگام برگزاری جشنواره مطبوعات محمد رضا نقدی در یکی از جلسات غرفه روزنامه کیهان حضور پیدا می کند و به سؤالات حاضران پاسخ داده و سخنرانی می کند . وی در جواب سؤال یکی از حضار در جلسه که از وی راجع به شایعه بازداشت ایشان و باند کبیر سؤال می کند ، پاسخ میدهد : اینها ساخته رسانه های دشمن است و فعلاً که بنده را اینجا میبینید!!؟!

محمد رضا نقدی اکنون در بازداشتگاه 66 سپاه است و در بند عمومی در کنار دیگر متهمان پرونده در سکوت به سر می برد تا چندی بعد با از بین رفتن یک سری حساسیت ها آزاد یا حذف شود .

شاید بتوان گفت، بازداشتگاه 66 سپاه وضعیت خاصی دارد . چرا که این بازداشتگاه به نوعی بازداشتگاه سکوت یا انتظار نظام است . سعید عسکر هم مدتی در این بازداشتگاه بود و سپس آزاد شد، آیت شمیمانی از اوین به این بازداشتگاه منتقل شد و بعد از چندی خبر فوت وی منتشر شد و مصطفی کاظمی و مهرداد عالیخانی هم کنون در این بازداشتگاه روزگار می گذرانند

آنچه به قلم رفت سرنوشت یک عرب عراقی اخراج شده از کشورش بود که فقط و فقط به دلیل سرسپردگی اش به حاکمان ظلم و جور از هواداری یک دفتر عادی مجلس اعلای عراق به مشاورت رهبری و عالی ترین مناصب نظامی رسید . پایان کار محمد رضا نقدی پایان کار تمام نوب شدگان در ولایت است که به محض تمام شدن تاریخ مصرفشان غیر بهداشتی شده ، حذف می شوند . سرنوشت نقدی ، سرنوشت سعید امامی است ، سرنوشت نقدی سرنوشت بسیاری از سرسپردگانی است که به دست خود حاکمیت بزرگ شده و باز برای بقای بیشتر حاکمیت به پای درخت ولایت مطلقه قربانی می شوند ، نقدی نه اولین است و نه آخرین ، این بازی قدرت همچنان ادامه دارد ، تا قرعه به نام که بیفتد و چه مردمان بی گناهی پای این سگ های ولایت قربانی شوند

<http://surush.blogfa.com/post-12.aspx>